

منتشر کن یا نابود شو، اما نه به هر قیمتی

پروانه اسکندری^۱، علی اکبر صبوری*^۱

چکیده

رشد رقابت علمی و فرهنگ منتشر کن یا نابود شو در محیط‌های علمی، اگرچه می‌تواند باعث پویایی تولید علم در دانشگاهها شود اما ممکن است با عینیت و صداقت پژوهش در تضاد باشد، چون این موضوع به دانشمندان برای تولید مقاله به هر قیمتی، فشار می‌آورد. یک مورد از نگرانی‌های ویژه همسو با رشد رقابت برای بودجه‌های تحقیقاتی و موقعیت‌های علمی، ترکیب شدن آن با افزایش سوء رفتار در پژوهش به قصد افزایش تعداد مقالات می‌باشد. سوء رفتار پژوهشی زمانی اتفاق می‌افتد که انتشار تکراری یک دست نوشته یا یک نشر اضافی، سرقت ادبی و یا داده‌سازی در حال وقوع باشد. سوء رفتار در پژوهش، موضوعی بین‌المللی بوده که خود مبانی علم را تضعیف می‌کند و باعث متزلزل ساختن اعتماد عامه مردم به صداقت علم می‌گردد و علم نیز فواید بالقوه‌اش را از دست خواهد داد. مسایلی مانند سرقت ادبی و سایر اشکال سوء رفتارهای پژوهشی را نمی‌توان نادیده گرفت. اگرچه دانشمندان تصمیم می‌گیرند تا به خاطر انگیزه‌های فردی، خودشان را به خطر بیاندازند، اما نشریات و جامعه پژوهشی به عنوان یک کل نمی‌تواند این خطر را بپذیرد. به هر حال، قوانین کشوری باید به گونه‌ای باشد که محیط‌های علمی و دانشگاهی پویا بوده و در آن محققین به نشر یافته‌های علمی در نشریات خوب بین‌المللی ترغیب شوند و با سوء رفتارهای پژوهشی افراد ناتوان علمی برخورد قانونی جدی صورت گیرد.

واژگان کلیدی: فشار برای انتشار، سوء رفتار پژوهشی، کمیت یا کیفیت، اخلاق نویسندگی.

* استاد مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیوفیزیک، دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۹۵۶۹۸۴-۶۶۹۵۶۹۸۴-۹۵۱۷-۶۶۴۰۹۵۱۷ (+۹۸۲۱)، دورنگار: ۶۶۴۰۹۵۱۷ (+۹۸۲۱).

نشانی الکترونیکی: saboury@ut.ac.ir

۱. مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیوفیزیک، دانشگاه تهران.

مقدمه

است [۵]. این شعار باعث افزایش نگرانی‌های زیادی در بین محققان شده است که سؤال‌های زیادی در رابطه با کمیت یا کیفیت آثار منتشر شده مطرح می‌کند [۶]. از آن جا که عبارت «منتشر کن یا نابود شو» در حوزه‌های مختلف علم به تعبیر متفاوتی تفسیر می‌شود، ممکن است با رعایت صداقت و امانت در علم در تضاد باشد، زیرا این موضوع ممکن است به دانشمندان برای چاپ نتایج قابل انتشار، آن هم به هر قیمتی فشار آورد [۷].

در این عصر رقابتی، انتشار یک اصل زندگی است و برای پیشرفت حرفه‌ای حیاتی است. امروزه یکی از شاخص‌های اساسی رشد و دانش آفرینی، تعداد مقالات به شمار می‌رود و پژوهشگران می‌کوشند تا حد ممکن در کارنامه علمی خود تعدادی از آنها را داشته باشند. اهمیت روز افزون این مقوله، علاوه بر ابعاد معرفتی خود، دلایل اجتماعی متعددی دارد، مانند امتیازات مادی، اعتبار اجتماعی و مهمتر از همه، ارتقا علمی مشروط به داشتن آنها می‌باشد [۸].

مجموع این دلایل موجب رقابت گسترده‌ای برای تولید مقاله شده است که در کنار محاسن آن، سوء رفتارهایی^۱ را نیز در پی داشته است. به طوری که مشاهده شده است طمع افزایش کمی و آماری مقالات، برخی از پژوهشگران و دانشمندان را به سمت سرقت علم و تقلب از طریق تغییر عنوان مقاله یا جا به جا کردن بعضی مطالب مقالات و... سوق داده است [۹]. جامع‌ترین تعریفی که می‌توان از سوء رفتار پژوهشی ارائه داد، عبارت است از رفتار عمدی یا سهوی یک پژوهشگر که او را از چارچوب اخلاقی و علمی خارج می‌سازد [۱۰].

طمع دانشگاهی که برخاسته از داشتن حجم وسیعی از انتشارات در سوابق علمی افراد است، علت برخی از سوء رفتارهای پژوهشی است، که منشأ این شکل از طمع را می‌توان فشار ناشی از رقابت‌های علمی برای ارتقاء رتبه علمی، بودجه‌های تحقیقاتی و تصدی مشاغل دانست [۱۱]. در واقع با همه این تفاسیر شعار «منتشر کن یا نابود شو» نباید به شعار «سرقت کن و چاپ کن» تبدیل شود [۱۲].

تولید علم و دانش از اهداف اصلی پژوهش محسوب می‌شود. با این وجود، در هر مرحله از تولید علم، علاوه بر لغزش‌های علمی، لغزش‌های اخلاقی نیز وجود دارد. تامین منافع شخصی از طریق راه‌های غیراخلاقی در پژوهش فساد علمی را در پی خواهد داشت [۱۳-۱۴] که بسیاری از کشورهای در حال توسعه با این چالش رو به رو هستند.

فشار برای انتشار، یکی از بزرگترین چالش‌ها در جهان، پژوهش‌های علمی می‌باشد و تقریباً در هر جنبه‌ای از فرآیند پژوهش و نشر اثر می‌گذارد. همیشه یک نگرانی وجود دارد که اگر این فشار خیلی زیاد

کاریکاتورریست موفق علم، نیک دانز (Nick Downes)، یک کاریکاتور فوق‌العاده دارد که در آن یک استاد وحشت زده در یک دفتر مجلل، پشت میز خود نشسته است. در کنار او یک مرد عینکی با کت و شلوار و کراوات که بطور احتمال رئیس دانشکده باشد، ایستاده است. در همین حال، یک مرد به ظاهر بدجنس در مقابل او قرار دارد و با دقت یک صدا خفه کن روی یک تفنگ دستی قرار می‌دهد. رئیس می‌گوید: مطمئناً شما وقتی این موقعیت را پذیرفتید؛ استاد! از این موضوع اطلاع داشتید که منتشر کن و یا نابود شو. این تصویری برای نشان دادن ضربه عصبی در نوشتن و چاپ مقاله به بسیاری از دانشمندانی است که در محیط‌های دانشگاهی کار می‌کنند [۱].

تا زمانی که یافته‌های حاصل از یک تحقیق منتشر نشود فرآیند پژوهش هنوز کامل نشده است. داشتن مقاله پژوهشی علاوه بر این که سندی از انجام یک کار تحقیقاتی است، تجربیاتی را که در طول فعالیت‌های علمی و پژوهشی بدست می‌آید، در اختیار جامعه علمی قرار می‌دهد و به سایر دانشمندان منتقل می‌کند [۲].

عملیاتی کردن دانش، ملزم به نوشتن مقاله است. در واقع یکی از مهم‌ترین مراحل تحقیق، تهیه گزارش از نتایج مطالعات و پژوهش‌های انجام شده و انتشار آن در دنیای نشر است، از آنجا که رشد و گسترش هر شاخه از علوم با کمک ارائه و به هم پیوستن دانش فراهم آمده از سوی دانشمندان آن شاخه محقق می‌گردد، به هر اندازه هم که یک پژوهش علمی حائز اهمیت باشد، باید نتایج آن در اختیار سایر محققان قرار گیرد تا موجب پیشرفت علمی شود [۳].

بنابراین، این یک انتظار منطقی است که لازم است تا استادان و دانشجویان مرزهای دانش را بشکافند و تولید علم کنند و در نتیجه نتایج کارها و تلاش‌های علمی خود را نشریات بین‌المللی منتشر کنند. تولید علم، یک فرآیند جهانی است و نتایج یک تحقیق علمی باید منتشر شود تا همگان آن را بخوانند و مورد ارزیابی و نقد قرار بگیرد، چرا که سخن و کشف علمی تا نقد نشود به کمال نخواهد رسید. هر پدیده‌ای که اتفاق می‌افتد دارای جنبه‌های مثبت و منفی است، باید سکان هدایت آن پدیده به سمت افزایش جنبه‌های مثبت و کاهش جنبه‌های منفی باشد [۴].

در محیط‌هایی که ارزش‌های عالی برای پژوهش (تولید دانش) قرار می‌دهند، پیام منتشر کن یا نابود شو، به همه دانشمندان در دانشگاه‌ها برای نیم قرن گذشته بوده است. شعار منتشر کن یا نابود شو، صرف نظر از موقعیت جغرافیایی یا حوزه مطالعه، سال‌هاست که پابرجا مانده

1. Misconduct

مطالب چاپ شده نیاز به تکرار ندارند، به همین دلیل انتشار همزمان و یا مجدد تمام و یا بخشی از یک مقاله که ارسال شده یا در گذشته چاپ شده است قابل قبول نخواهد بود [۲۰ و ۱۸].

بعضی از نویسندگان مقالات، بدون ذکر ماخذ به سرقت ایده‌ها یا کلمات می‌پردازند. این نویسندگان به شیوه‌های مختلفی عمل می‌کنند. عده‌ای از آنها مقاله فرد دیگر را به طور کامل و کلمه به کلمه، به نام خود می‌نویسند و یا قسمت‌های اصلی یک مقاله را بدون تغییر کلمات آن در مقاله آورده و با خلاصه کردن قسمت‌های اصلی آن، مقاله کوچک‌تری تولید می‌کنند [۲۲].

تعدادی دیگر به شیوه جورچین عمل می‌کنند به طوری که قسمت‌هایی از مقالات مختلف را کپی کرده و در کنار هم می‌چسبانند. بدون اجازه از دارنده حق تکثیر، اقتباس کردن از کار دیگران تقلب محسوب می‌شود. در دنیای نشر، این کار سرقت ادبی^۱ می‌باشد [۹ و ۲۰] و در تعریف سرقت ادبی داریم؛ استفاده مستقیم از جملات و کلمات دیگران بدون قرار دادن در علامت خاصی که متن مربوط به دیگران را از نوشته‌های مربوط به خود نویسنده متمایز می‌کند [۲۲].

سرقت ادبی ارتباط بین ایده‌های محققان و اعتباری که درخور آن ایده باشد را از بین می‌برد [۲۳]. نتیجه این عمل، تنبیهی است که موجب جریمه و شرمندگی حرفه‌ای می‌شود. تنها راه بیان اندیشه‌ها و یافته‌های دیگران ارائه آنها در کلمات و جملات خودمان می‌باشد، اما وقتی عین کلمات کسی را در نوشته خود نقل می‌کنیم باید از باورقی، پراوتز یا نمادهای دیگر ادبی استفاده کنیم، به گونه‌ای که آن بخش از نگارش کار ما و قسمتی که مربوط به کار دیگران است به وضوح مشخص شود تا منشاء چنین کاری برای خواننده بطور کامل مشخص گردد [۲۴].

برای نگارش یک مقاله مروری^۲ لازم است که پژوهش‌های قبلی خلاصه شوند. بدین منظور نویسنده باید مقاله اصلی را مطالعه کند و خلاصه خودش را بنویسد نه این که فقط از چکیده مقالات استفاده کند [۹] و در رابطه با یک مقاله مروری اگر مطلب جدیدی برای انتشار وجود نداشته باشد برای نشر مورد قبول واقع نخواهد شد [۲۰].

حق تالیف^۳ یک وضعیت حقوقی است که از «کار اصلی نویسنده» حمایت می‌کند. حق تالیف به عنوان یک مجوز خصوصی، به دارنده حق تکثیر برای کنترل این که محتوای منتشر شده چگونه توزیع، اقتباس و تکثیر شود، اجازه می‌دهد و همیشه اطمینان می‌دهد که اسم نویسنده همراه مقاله خواهد شد. همچنین یک نویسنده را از انتشار هم زمان داده‌های یکسان در بیش از یک مجله «بدون ارجاع کامل در متن» و بدون اجازه صریح، محدود می‌کند.

باشد، جوی ایجاد خواهد کرد که انگیزه تحقیق و یا افزایش سوء رفتارهای پژوهشی را موجب می‌شود [۱۵].

تولید علم یا افزایش تعداد مقالات

متأسفانه فشارهای وارد بر پژوهشگران برای داشتن مقاله به دلایل مختلف موجب شده است که آنها برای چاپ مقالات بیشتر، دست به هر کاری بزنند و از طرف دیگر، از آنجا که تعداد آثار علمی دانشمندان تعیین کننده جایگاه علمی و شهرت ایشان است، گاهی اوقات افراد برای بدست آوردن جایگاه علمی بالاتر در این میدان رقابت، دست به اعمال ناپسندی می‌زنند.

مواردی وجود دارد که در آن نویسنده تصمیم می‌گیرد که نسخه مشابهی از اثر چاپ شده خود را به مجله دیگری ارسال کند و یا یک نویسنده دست نوشته خود را بطور هم زمان به چند مجله ارسال می‌کند، تا شانس و سرعت چاپ آن را بالا ببرد [۱۶]. معاون سردبیر یک مجله تحقیقاتی اظهار کرد که یک مقاله به داوری که در حوزه تخصص خود شناخته شده بود فرستاد، داور پس از دریافت چکیده به او اطلاع می‌دهد که یک چکیده مشابه برای یک مجله دیگر بررسی کرده است. بر اساس بررسی متن کامل، دو مقاله در همه جنبه‌ها مشابه بودند. بی درنگ مقاله رد شد و گزارش این تخلف به کمیسیون اخلاق نشر (COPE)^۴ رسید.

COPE هم پوشانی عمده‌ای بین بخش‌های مختلف دو مقاله تشخیص داد که البته نویسنده سعی کرده بود با تغییر دادن عنوان و ترتیب اسامی نویسندگان آن را مخفی کند. این موضوع منجر به تنزل رتبه نویسنده مربوط از سمت خویش گردید [۱۷]. ما همه می‌دانیم که نشر تکراری^۵ مقالات، یک نوع سرقت ادبی محسوب می‌شود و این رویکرد زمانی قابل قبول است که نویسنده از انتشار قبلی خود با ارجاع کامل به آن، به خوانندگان اطلاع دهد و همچنین برای چاپ مقاله در مجله دوم، نویسنده باید رضایت سردبیر مجله اول را بدست آورد و موضوع را به اطلاع سردبیر مجله دوم برساند تا هر سردبیر دو نشر تکراری را تایید کنند [۱۶-۱۲].

در برخی موارد، نویسنده آثار منتشر شده قبلی خود را با افزودن داده‌های دیگر، مجدداً منتشر می‌کند. با این عمل که تحت عنوان نشر افزوده^۶ شناخته شده، بخش‌هایی از اثر منتشر شده را به عنوان اثری نو انتشار می‌دهند [۱۰]. این کار خود نوعی نقض حقوق مالکیت معنوی است، زیرا آنچه در گذشته منتشر شده، جزئی از مالکیت اجتماعی است، گرچه توسط نویسنده‌ای واحد تهیه شده باشد.

1. Committee on Publication Ethics
2. Duplicate publication
3. Augmented publication

4. Plagiarism
5. Review article
6. Copyright

از سرقت ادبی عرضه می‌کند. باید همه دست نوشته‌های ارسال شده بررسی شوند و هرگز تنها با تکیه بر گزارش تشابه توسط این نرم افزارها نباید رد شوند. نرم افزارهای تشخیص سرقت ادبی قادرند بطور منظم تشخیص دهند و از وقوع سرقت ادبی جلوگیری کنند که منجر به برگشت^۴ کمتر مقالات می‌گردد [۲۹].

افزایش آمار مقاله‌های برگشتی موجب نگرانی شده است. شمار و کثرت مقالات برگشت داده شده، شاخص مهمی از سلامت کارهای علمی به حساب می‌آید. زیرا مقاله‌های برگشتی، شواهد صریحی از ضعف پروژه و بی‌دقتی در هدف را نشان می‌دهد. طبق مطالعاتی که فنگ و همکاران انجام دادند مقاله‌های برگشتی براساس اینکه علت برگشت آنها تقلبهای^۵ مستند (داده‌سازی یا تحریف داده‌ها)، مشکوک به تقلب، سرقت ادبی، انتشار تکراری، خطا و یا سایر دلایل (مانند خطای نشریه، مشاجره نویسندگان) طبقه بندی می‌گردند. نویسنده در این پژوهش گزارش داد که اکثر مقاله‌ها به دلیل نوعی از سوء رفتار برگشت داده می‌شوند و تنها ۲۱.۳٪ برگشت به دلیل خطا بوده است. رایج‌ترین دلیل برای برگشت تقلب و یا مشکوک به تقلب (۴۳.۴٪)، با مقاله‌های اضافی به دلیل نشر تکراری برگشتی (۱۴.۲٪) یا سرقت ادبی (۹.۸٪) و عوامل دیگر (۱۱.۳٪) را شامل می‌شود [۳۰].

با بررسی منشأ جغرافیایی عوامل برگشت و همچنین با توجه به ضریب تاثیر^۶ مجلات، الگوی متفاوتی مشاهده شد. اکثر مقاله‌های برگشتی به دلیل تقلب از کشورهای با سابقه پژوهش طولانی و نسبتاً مسئله‌ساز برای نشریه‌های با ضریب نفوذ بالا می‌باشد. در مقابل، آمار سرقت ادبی و نشر تکراری اغلب در کشورهایی که فاقد یک سابقه طولانی در پژوهش هستند بالاست و این چنین تخلفی اغلب به نشریه‌هایی با ضریب نفوذ پایین مربوط می‌شود [۳۰].

استین و همکارانش نیز در تحقیقات خود ابراز داشتند که بخش عمده‌ای از همه مقالات برگشتی به دلیل سوء رفتارهای پژوهشی است و تخمینی ۱۰ برابری برای افزایش برگشت از سال ۱۹۷۵ به دلیل تقلب (مثل داده‌سازی و تحریف داده‌ها) وجود داشته است. بنابراین، مشخص شد تقلب در ۹۴٪ از ۲۲۸ مورد سوء رفتار کشف شده توسط دفتر تلفیق پژوهش آمریکا^۷ از سالهای ۱۹۹۴-۲۰۱۲ را شامل می‌شود [۳۱].

مطالعات نشان داده اند که رشد علمی کشور ما در سال های اخیر از نظر تعداد مقالات منتشر شده در سطح بین المللی رشد چشمگیری داشته است. اما در کنار این پیشرفت این سوال نیز مطرح است که آیا رشد کمی پژوهش در کشور همراه با رشد کیفی آنها افزایش پیدا کرده است؟ و همچنین کثرت مقالات محققان و دانشگاه های کشور

نشر تکراری یا نشر افزوده وقتی عمدی باشد یک تخلف غیراخلاقی از حق تالیف محسوب می‌شود [۲۵]. تخلفی کردن از این نام‌های حق تالیف از سوی پژوهشگران می‌تواند عواقبی همچون اخراج آنها و از دست دادن موقعیت کاری و پژوهشی، پرداخت جریمه های نقدی و یا حتی زندان به مدت یک تا ده سال منجر شود [۲۶].

برخی دیگر از نویسندگان برای افزایش سابقه انتشار و ارتقاء شرح حال علمی خود، از تکه سازی^۱ داده‌ها که رایج‌ترین شکل سرقت ادبی می‌باشد، استفاده می‌کنند. در واقع نویسندگان یک مجموعه داده که باید یک کار تحقیقاتی واحد باشد، به دو یا تعداد بیشتری زیرمجموعه تقسیم می‌کنند و با استفاده از این بخش‌ها نسخه‌هایی را ایجاد می‌کنند، سپس آن را در مجلات متفاوتی چاپ می‌کنند. این روش برش سالامی^۲ نامیده می‌شود [۲۷ و ۲۰].

شاید از نظر کمی چنین اقدامی برای نویسنده منافعی در پی داشته باشد، ولی از نظر علمی چنین اقدامی ناپسند تلقی می‌شود و میزان اثر بخشی یافته پژوهشی را کاهش می‌دهد [۲۸]. چنانچه داوران مقالات، چنین اقدامی را تشخیص دهند، قطع به یقین نظر آنها در پذیرش مقاله منفی خواهد بود و در بعضی موارد اسم چنین نویسندگانی در فهرست سیاه مجله قرار خواهد گرفت [۲۲].

در برخی موارد، نویسندگان بدون اینکه کار عملی انجام داده باشند، در پشت میز کار خود اقدام به داده سازی^۳ و وارد کردن این داده‌های ساختگی به دنیای نشر می‌کنند. داده‌سازی عملی است که داده و یا نتایج را خلق می‌کند و سپس آنها را به صورت یک پژوهش علمی گزارش می‌دهد. داده‌سازی و ارائه گزارش‌های غیرواقعی عملی غیراخلاقی است؛ چرا که عمر و انرژی انسانها را برای استفاده و تکرار آن روشها هدر می‌دهد و هزینه‌های زیادی تحمیل می‌کند [۲۲ و ۱۷].

برای کنترل و تشخیص دستبرد علمی در اسناد متنی از نرم افزارها و سایت هایی مانند Scan My essay, Safe Turnitin, Eve^۲ Assign, استفاده می‌کنند و همچنین نرم افزار et-BLAST که عنوان و کلید واژه‌های مقالات را بررسی می‌کند. این نرم افزارها طوری طراحی شده‌اند که «راست آزمایی» می‌کنند و میزان کپی برداری و یا سرقت‌های علمی در جملات متن را نشان می‌دهند. نرم‌افزارهای تشخیص سرقت ادبی به طور قابل ملاحظه‌ای بر کیفیت نشریات علمی تاثیر گذاشته است. تردید در مورد سرقت ادبی در صورت کشف چقدر شباهت متنی است؟ این مقدار توسط منبعی که از توافق داوران حاصل شده ۱۰٪ یا ۵٪ است، در حالی که در مقاله های اخیر COPE، ۱۰۰ کلمه مورد بحث قرار گرفته است [۲۹].

نرم افزار تشخیص سرقت ادبی کمک های ارزشمندی در جلوگیری

1. Data fragmentation
2. Salami slicing
3. Fabrication
4. Retraction

5. Fraud
6. Impact factors
7. U.S. Office of Research Integrity (ORI)

واقع شود. اما علی رغم وجود نمایه‌های استنادی علوم^۱ و ابزارهای اندازه‌گیری مشابه، محاسبه این تاثیر نه راحت و نه صریح است. لذا برای محققان جوان، در نظر گرفتن تعداد استناد به هر مقاله نسبت به تعداد کل مقاله‌های وی، نشانه عادلانه‌تری برای ارزیابی لیاقت علمی است. انجام تخلف با انگیزه داشتن تعداد مقاله‌های بیشتر می‌تواند حیثیت شغلی یک فرد، اعتبار یک مرکز یا دانشگاه و حتی اعتبار پژوهشی یک کشور را خدشه‌دار کند. مقالات علمی مهمترین وسیله انتقال اطلاعات و دستاوردهای نوین علمی محسوب می‌شوند که با کنترل کیفیت این اطلاعات منتشر شده، زمینه انتشار اطلاعات صحیح و معتبر فراهم می‌شود. در کنار توسعه کمی علم، کیفیت دانش منتشر شده نیز اهمیت فراوانی دارد و این مهم تنها در صورتی محقق خواهد شد که به فضای اخلاقی و هنجاری تولید و انتشار علم توجه بیشتری گردد.

منابع و ماخذ

- [1]. Rowe, R., C., & AstraZeneca. (2004). "Publish or perish". *Drug Discovery Today*, 9(22), 954-956.
- [2]. Clapham, P. (2005). "Publish or perish". *BioScience*, 55(5), 390-391.
- [3]. Maddox, J. (1988). "Why the pressure to publish?". *Nature*, 333, 493.
- [4]. صبوری، علی اکبر (۱۳۹۲). "بررسی کیفیت علم: نشریات بی اعتبار". سال سوم، شماره اول. ص ۳۳-۴۲.
- [5]. Gad-el-Hak, M. (2004). "Publish or perish-An ailing enterprise?". *Physics today*, 57(3), 61-64.
- [6]. Linton, J. D., Tierney, R., & Walsh, S. T. (2011). "Publish or perish: How are research and reputation related?". *Serials Review*, 37(4), 244-257.
- [7]. Fanelli, D. (2010). "Do pressures to publish increase scientists bias? An empirical support from US States Data". *PloS one*, 5(4), e10271.
- [8]. Babalola, O., Grant-Kels, J. M., & Parish, L. C. (2012). "Ethical dilemmas in journal publication". *Clinics in dermatology*, 30(2), 231-236.
- [9]. Neill, U. S. (2008). "Publish or perish, but at what cost?". *The Journal of clinical investigation*, 118(7), 2368-

با کیفیت بیشتر ان مقالات هماهنگ است؟ با ارزیابی کیفیت اسناد علمی تولید شده از دریچه ایی که به بررسی کیفیت نشریاتی که اسناد علمی ایرانیان در آنها به چاپ رسیده است می پردازد، می توان به این نتیجه رسید که رشد کیفی تولید علم در کشور ما با رشد کمی آن هم راستا نیست [۴].

دو دهه تلاش بر تولید علم بود و فقط کمیت تولید مدنظر بود و از کیفیت تولید آن غافل شدیم. از جنبه هایی هم طبیعی بود چرا که هنوز مشغول فراگیری تولید علم بودیم و کیفیت علم تولید شده و اینکه کجا چاپ شود اهمیتی نداشت، زیرا هنوز به یک کمیت قابل سنجش و ارزیابی نرسیده بودیم، اما در چند سال اخیر با افزایش کمیت تولید علم، کیفیت آن از اهمیت ویژه ای برخوردار شده است. این موضوع که چاپ مقاله را در هر نشریه ای نباید قبول کنیم، نه تنها اهمیت دارد بلکه باید به سطحی از کیفیت برسیم که مقاله‌های علمی خود را در نشریات برتر جهان که ناشران بین المللی بوده و داوری علمی سختی دارند، به چاپ برسانیم [۴].

متأسفانه بعضی افراد خطا کار در کشور ما نیز برای رهایی جستن از سیاست نوشتن مقاله و ورود به عرصه های جهانی تولید علم، با هدف افزایش کمی مقالات خود دست به تقلب می زنند و اگر خود قادر به این کار نباشند به افرادی با شغل های کاذب که کار آنها مقاله نویسی است پناه می برند. وقتی تعداد مقالات علمی چاپ شده برای یک فرد، یعنی امتیاز بیشتر و همچنین ترقی در جایگاه های مختلف علمی مشروط به داشتن مقاله است، بدیهی است که برخی افراد فرصت را مناسب می بینند تا از این آب گل آلود ماهی بگیرند و دست به خرید و فروش اسناد علمی می زنند.

این افراد سودجو با انتشار مقاله های تکراری و در نشریه های بی اعتبار که دسترسی آزاد داشته و به این منظور از نویسندگان پول دریافت می کنند، هزینه های هنگفت از سرمایه های کشور را هدر می دهند. به این ترتیب امار مقاله های چاپ شده در کشور افزایش پیدا می کند در صورتی که کیفیت آنها با این سرعت رشد نمی کند.

نتیجه گیری

انتشار یا نابودی به یک شعار معمولی برای دانشگاه تبدیل شده است. هیچ مشکلی در رابطه با این قانون وجود ندارد اگر تاکید شود که کیفیت مهمتر از کمیت است. در یک حالت ایده آل، به جای شمارش انتشارات افراد جهت ارزیابی آنها، باید تاثیر نشریات آنها مورد توجه

- (۱۳۸۸). "منشور اخلاق نویسندگی، بایدها و نبایدها". مجله رهیافت، شماره ۴۵.
- [23]. Anderson, M. S., & Steneck, N. H. (2011). "The problem of plagiarism". In *Urologic Oncology: Seminars and Original Investigations*, 29 (1), 90-94.
- [24]. میرعارفین، مریم؛ شایگان، جلال؛ مدائنی، سیاوش؛ امیدخواه، محمدرضا (۱۳۹۱). "لزوم رعایت اصول اخلاقی در نگارش مقالات و گزارش های علمی". نشریه مهندسی شیمی ایران. سال یازدهم، شماره ۶۲. ص ۸۰-۸۳.
- [25]. Carlson, K., & Ross, J. (2010). "Publication ethics: conflicts, copyright, permission, and authorship". *Journal of PeriAnesthesia Nursing*, 25(4), 263-271.
- [26]. نادری، مینا؛ رحیمی وقار، رویا؛ موسوی موحدی، علی اکبر (۱۳۹۰). "رهنمودهای اخلاقی برای نویسندگان نوشتارهای پژوهشی". سال دوم، شماره اول. ص ۵۳-۵۷.
- [27]. Fischer, B., A., & Zigmond, M., J. (2012). "Scientific Publishing". *Encyclopedia of Applied Ethics*, 2, 32-40.
- [28]. Winck, J. C., Fonseca, J. A., Azevedo, L. F., & Wedzicha, J. A. (2011). "To publish or perish: How to review a manuscript". *Revista portuguesa de pneumologia*, 17(2), 96-103.
- [29]. Baždarić, K. (2012). "Plagiarism detection—quality management tool for all scientific journals". *Croatian medical journal*, 53(1), 1-3.
- [30]. Fang, F. C., Steen, R. G., & Casadevall, A. (2012). "Misconduct accounts for the majority of retracted scientific publications". *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 109(42), 17028-17033.
- [31]. Steen, R. G., Casadevall, A., & Fang, F. C. (2013). "Why has the number of scientific retractions increased?". *PLoS One*, 8(7), e68397.
- 2368.
- [10]. Gilbert, F. J., & Denison, A. R. (2003). "Research misconduct". *Clinical radiology*, 58(7), 499-504.
- [۱۱]. تقوی، فرشته؛ صبوری، علی اکبر (۱۳۹۲). "پرهیز از سوء رفتارهای پژوهشی و ارائه راهکارهای مهارتی". نشریه نشاء علم، سال چهارم، شماره اول، ص ۴۳-۴۸.
- [۱۲]. موسوی دوست، سارا؛ فنودی، حنا (۱۳۸۹). "تخلفات و دستبردهای علمی و ادبی". سال اول، شماره اول. ص ۲۱-۲۹.
- [۱۳]. توکل، محمد؛ ناصری راد، محسن (۱۳۸۸). "دستبرد علمی با تبیینی از جامعه شناسی علمی". فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال چهارم، شماره ۳ و ۴. ص ۱-۱۶.
- [۱۴]. آراسته، حمیدرضا؛ جاهد، حسینعلی (۱۳۹۰). "رعایت اخلاق در دانشگاه ها و مراکز عالی: گزینه ای برای بهبود رفتارها". سال اول، شماره دوم. ص ۳۱-۴۰.
- [15]. Woolf, P. K. (1986). "Pressure to publish and fraud in science". *Annals of internal medicine*, 104(2), 254-256.
- [16]. Coats, A. J. (2009). "Ethical authorship and publishing". *International journal of cardiology*, 131(2), 149-150.
- [17]. Krishnan, V. (2013). "Etiquette in scientific publishing". *American Journal of Orthodontics and Dentofacial Orthopedics*, 144(4), 577-582.
- [18]. Gollogly, L., & Momen, H. (2006). "Ethical dilemmas in scientific publication: pitfalls and solutions for editors". *Revista de Saúde Pública*, 40(SPE), 24-29.
- [۱۹]. شعبانی، امیر (۱۳۸۶). "رعایت اخلاق در نگارش مقالات علمی". مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال سیزدهم، شماره ۲، ص ۸۷-۸۸.
- [20]. Roig, M. (2012). "Avoiding unethical writing practices". *Food and Chemical Toxicology*, 50(10), 3385-3387.
- [21]. Helfet, D. L., Hanson, B., P., & Faoite, D., D. (2013). "Publish or Perish; But What, When, and How?". *The American Journal of Orthopedics*, 42(9), 399-400.
- [۲۲]. کبودین، بابک؛ زلفی گل، محمد علی؛ حاجی عزیزی، بیژن